

فایل ۱۰۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِ الْهِنَا ابِي الْقَاسِمِ

مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِ طَاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْعَظْمُ مَوْلَانَا حُجَّتُهُ إِنْ الْحَسَنِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ

الشَّرِيفِ وَ لَعَنَتَ اللَّهُ عَلَى أَغْدَائِهِمْ إِجْمَعِينَ إِذَا قِيَامَ يَوْمَ الدِّينِ، می‌فرمایند که راه ثابت قدم هلال که اول ماه

شوال هست یا نیست یکی اینکه خود انسان روئیت کند اگر خود آدم روئیت کرد ماه را برش واجب که افطار

کنه فرد روزه‌اش را بشکنه ولو اینکه همه‌ی مردم روزه‌دار باشند ولی خب این آدمی که دیده است چون ماه را

دیده خب وظیفش اینه که افطار کنه ولو اینکه بقیه هم ندیده‌اند و روزه‌دار باشند حالا چون این خودش دیده

خب روئیت هلال خودش موجب افطار می‌شه، جایی که خودش ندیده ولی بینه شرعی قائم شده که به دو نفر

شاهد عادل گفته‌اند که ما دیده‌ایم به دو نفر شاهد عادل شهادت دادند با شرایطی که دارند که ما دیده‌ایم

خب برش لازم می‌شود که افطار کند چون خودش دو نفر شاهد عادل خودش بینه شرعیست و باید اثر

درش مترتب بشه و باید افطار کنه اگر این هم نبود یا این که شیاع باشد در میان مردم شیاعی که مفید علم

باشه که علم آور باشه در ماه مبارک شایع شده که زیاد دیده‌اند ماه را جوربست که براش یقین حاصل شده

اطمینان حاصل شده از هر راهی که برای انسان اطمینان حاصل بشود یقین حاصل بشه خب این باید افطار

کنه و این سه راه هست که موجب افطار می‌شه خودش باشه یا دو نفر شاهد عادل که بینه ازش تعبیر می‌کنند

باشه یا اینکه شیاعی در میان مردم که برای انسان علم آورد و اطمینان آور باشه مسئله‌ی حکم حاکم شرع

این هم به اختلاف هست میان آقایان فقها که آیا این فقیه جامع الشرائط که اگر حکم کند برای او مثلاً ثابت

شده باشه بعد حکم کند که دیده است آیا نافذ هست یا نیست؟ این مورد اختلافه نظر هست میان آقایان فقها

بعضی قائلند که این حکم فقیه جامع الشرایط در سقوط هلال نافذ است و بعضی قائلند که نافذ نیست حالا اون مسئله مورد اختلاف قرار می‌گیره به هر حال تا اطمینان حاصل نشده باشه کسی نمی‌تونه افطار کنه اگر چنانچه حالا به صرف اینکه می‌گن مردم مثلاً روزنامه نوشته چیشده فقط به صرف حقیقت که اون شرعی نیست مگر به اون جهت بدون اینکه مطمئن شده باشه یقین حاصل کرده باشه به صرف اینکه حالا می‌رد اینطوری افطار کند و بعد معلوم بشود که اول شوال نبوده این هم قضا داره هم کفاره داره و اگر نه جوری بود که مطمئن شد که اول ماه هست حالا از یک راهی براش یقین حاصل شد که اول ماه هست افطار کرد و بعد معلوم شد که نبوده این فقط قضا داره کفاره نداره مطمئن به این که اول ماه هست روی اطمینان به یقین خودش افطار کرده بعد معلوم شده که نبوده این قضا داره کفاره نداره اما اگر نه بدون اینکه یقین حاصل بشود همینجوری به با مسامحه کاری سهل انگاری که گفته‌اند و روزنامه‌ها نوشتند و رادیو گفته و از این حرف‌ها بزنند اگر اینجور باشه می‌تونه یقین آور که نیست یعنی حجت شرعی که نیست خب این باید هم قضا داره هم کفاره داره به دور از یقین این کار را کند اگر با اطمینان باشه حالا بعضیا زود باور می‌کنند و زود یقین حاصل میشه اگر یقین حاصل شد و افطار کرد و بعداً معلوم شد که نبوده فقط قضا داره کفاره نداره اگر بدون یقین با مسامحه کاری سهل انگاری مثلاً اگر اینطور باشه بعد معلوم شد که نبوده این هم قضا هم کفاره داره یه صلوات ختم کنید.. خب در این ماه مبارک خدا توفیق داد شاکریم که موفق شدیم سوره‌ی مبارکه‌ی زُحْرَف را از اول ماه شروع کردیم و به قدر بضاعت موجودات و توانایی‌ای که بود هر شبی یک آیه دو آیه چند آیه اینجا تلاوت شد و بعد هم توضیحاتی داده شد که از سوره‌های مکی هست ۸۹ آیه بود و که تمام شد دیشب آیات شریفه‌اش، یه توضیح مختصری داده شد و خب امیدواریم که خداوند همه‌ی ما را مشمول رحمت و

عنایت خودش قرار بدهد و ما را در زمره‌ی متمسکین به ذیل عنایت قرآن و عترت محسوبمان بفرماید و مشمول این حدیث شریف باشیم درباره‌ی همون سوره‌ی زُخْرُف هست که از رسول خدا صلی الله علیه و آل و

سلم فرمود «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الزُّخْرُفِ كَانَ مِنْ مَنْ يُقَالُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ مِنْ مَنْ يُقَالُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا عِبَادَهُ

لَاخَوْفُ عَلَيْكُمْ عَلَيْهِمْ وَلَا أَنْتُمْ تُهْذِنُونَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ الْحِسَابِ» این حدیث است که فرموده هر که

سوره‌ی زُخْرُف را قرائت کند روز قیامت به او گفته می‌شود در زمره اون کسانی می‌شود که به اون‌ها خطاب

می‌شود ای بندگان من امروز دیگه شما نه نگرانی خواهید داشت و نه غصه و اندوهی همگی داخل بهشت

بشوید بدون اینکه هر حساب و دقت و سخت‌گیری‌ها به عمل بیاد خب حالا ما به حسب ظاهر قرائت کردیم

سوره‌ی زُخْرُف را طی همین یک ماه قرائت کردیم حالا نمی‌دونیم به اون تدبری که فرموده‌اند که «فَرَاءَ تَدَبَّرُونَ

فِي الْقُرْآنِ أَمْ عَلَى قُلُوبِنَا إِفْعَالُوهَا» بگی این دل‌ها را مهر زدند که شما تدبر بکنید در آیات الهی که حالا ما

نمی‌دونی آیا مشمول هستیم که در زمره‌ی آیه داخل بشویم که خب این هم جزو آیات همین سوره بود «یاد

عِبَادِهِ لَأَخَوْفُ النَّ عَلَيْكُمْ يَوْمٍ وَلَا أَنْتُمْ يُورْزُونَ» دیگه شما امروز هیچ نگرانی ندارید غصه و اندوه ندارید «و

ایتهم» اون روز به ما گفته باشند باید در این دنیا هم زمینه‌اش فراهم باشد که در این دنیا هم بتوانیم در

تصرف قرآن خوف‌ها را برطرف کنیم نگرانی برطرف بشه حزن و اندوه هم برطرف بشود یک امنیتی یک آرامشی

در فکر و جان ما با قرآن پیدا بشود که او روز هم بتوانیم بشنویم خطاب را «كَيَاَعْبَادِهِ لَا تُمْكِنُ عَلَيْكُمْ أَلْيَوْمَ وَ

لَا أَنْتُمْ تُهْذِنُونَ» آخه دنیا مزرعه آخرته دیگه اینجا زمینه سازی می‌شود و اونجا هم محصول برداشته می‌شود

دیگه شب‌های اول هم که شروع کردیم این دعا که از امام صادق علیه السلام هست پخش شد که وقتی امام

صادق علیه السلام تلاوت قرآن که می‌کردند این دعا را داشتند «اللَّهُمَّ اجْعَلْ تَكْوِي فِيهِ قِرَائَتِي فِيهِ فِكْرًا وَ

فَكَرَى فِيهِ اغْتِبَاراً وَجَعَلَنِي مِنْ مَنْ أَتَزَعُ بِهِ بَيَانُ مُوَاعِظَتَيْنِ» خدایا جوری کن من وقتی که قرائت می‌کنم قرآن

را درش بیاندیشم عبرت بگیرم پند بگیرم و از مواعظی که در قرآن آورده‌ای من متعز بشوم و از معاصی و

گناهانی که نهی کرده‌ای پرهیز کنم «وَمَا تَنْفَعُ عِنْدَهُ قِرَائَتِي عَلَى سَمْعِي وَلَا إِجْمَعُ إِلَّا بَصَرِي رِشَاوَةً» که اونجا

امام در ضمن دعا می‌گه خدایا جوری نباشه که من وقتی قرائت قرآن می‌کنم مهر بر گوشم زده شود پرده بر

چشمم بیوفتد یعنی در این حال که قرآن بخوانم نتوانم جمال قرآن را ببینم نتوانم صدای قرآن را بشنوم این

صدای خداست تجلی خداست «أَنَّ اللَّهَ تَجَلَّى لِخَلْقِهِ فِي كَرَانِهِ» خب جلوه‌ای شده در آیات قرآن باید صدا به

گوش برسد جمال هم دیده بشود معلوم می‌شود جمالی دارد نغمه‌ای دارد که ممکنه اگر پرده به چشم بیوفته

نبیند اون جمال را مهر بر گوش بخورد نشنود اون نغمه را که امام صادق علیه السلام دارد که «لَا تَنْفَعُ عِنْدَهُ

قِرَائَتِي عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلُ عَلَى وَسْرِيْقَهُ شَارِعٌ وَجَعَلَنِي مِنْ مَنْ تَرْفِيْهِ كُلُّ آلَتِهِ وَرُتْهَا دَرَجَتْنِ فِي عَمَلَا أَلِي»

خدایا مرا از اون کسانی قرار بده که هر یک آیه که می‌خواند یک درجه از مقامات بهشتی بالا می‌رود چون روز

قیامت هست به انسانی که عامل قرآن هست گفته می‌شود که «قراء برقع» قرآن بخوان بالا برو به تعداد هر

آیه‌ای که می‌خواند درجه‌ای از درجات بهشتی را طی میکند خب این آیا شده است واسه انسان یک ماه تمام

می‌شود و بعد هم قرآن هم زیاد خوندیم و حالا هرچه بعد ما نمی‌دونیم آیا باز هم گوش‌ها کر است و چشم

بندان و ((؟؟؟)) و چشم قلباً هنوز کور است و گوش قلب من هنوز کر تمام شد ماه رمضان و ختم شد چنین

بار قرآن اما نه چشمم باز شد نه گوشم باز شد و حال اینکه فرمودند «قَدْ جَاعَكُمُ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ أَنْ

مُبِينٌ» از جانب خدا براشون نور آمده آیه قرآن «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ الْمُبِينِ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ أَنْ

تَبِعَ رِضْوَانُوا سَهْلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» این کتاب نور است این یعنی تعارف که نیست یه

تغییرات مسامحه که نیست خب واقعیت‌یست این کتاب نور است از جانب خدا آمده از هر آفتابی هم درخشنده‌تر

هست و روشن‌تر هست آمده که شما را به راه‌های سلامت هدایت کند «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ سَبِيلَ السَّلَامِ» راه‌های

سلامت که هیچ گونه بیماری درش نباشه کجی درش نباشه اون راه‌هایی که اگر از اون راه برویم به سلامت

جسمی، روحی، عقلی، اخلاقی، عملی به همه جا می‌رسیم تمام زندگیش غرق در سلامت می‌شه فردی سلامت،

خانوادگی سلامت، بازارتون سلامت، اداراتون سلامت غرق در سلامت می‌شید هیچ بیماری کجی و مرض

درش نباشه همانا هدایت می‌کنیم و شما را واقعا از ظلمت‌ها به نور بیرون می‌آورد «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

النُّور» دیگه این ظلمت در زندگی نباشه ظلمت جهالت نباشه ظلمت غفلت نباشه ظلمت شهوات ((؟؟؟)) نباشه

صبعی نباشه دزدی نباشه رشوه‌خواری نباشه کلاهبرداری نباشه اذیت و آزار به هم رسوندن نباشه این هست

یعنی واقعا در زندگی ما که مسلمانیم و تابع قرآن این آیه درباره‌ی ما مصداق پیدا کرده که «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ

اللَّهِ نُورٌ» مگه برا ما نیست؟ برای شما آمده دیگه «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ» از جانب خالق‌تون برای شما

این آفتاب آمده بالای سرتون «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ سَبِيلَ السَّلَامِ» می‌خواد به راه‌های سلامت هدایت کند شما را و

از ظلمت‌ها به نور بیاورد هست یا نه؟ منتها قیدی دارد، «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ» گل مطلب همینجاست

«مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ» اون کسی که پیروی کند اون چه که منجر رضای خداست اونکه رضای خدا را تأمین می‌کند

او را فعل را می‌کند واقعا از جهت عقاید، افکار، اخلاق برود دنبال همون برنامه‌ای که اون تنظیم کرده «مَنِ

اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ» اگر شما اتباع داشتید مطمئن بشوید «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ سَبِيلَ السَّلَامِ.. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ سَبِيلَ السَّلَامِ

يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّور» این دنبالش هست منتها گرفتاری ما در همین اتباع رضوانه، اتباع رضوان

دیدن حق مشاهده‌ی حق که این کاخ سعادت انسان به این سه مطلب استوار است یکی اون قلوب.. قلوبی که

سرچشمه‌ی.. سرچشمه‌ی اون‌ها وحی هست و نبوت هست و ولایت از اون‌ها صادر شده باشه واقعا قلوب آسمانی که خطا ندارند نه که این چیزای بشر خودش رو ساخته و پرداخته اون قلوبی که از سرچشمه‌ی وحی و نبوت رسیده اون باشه بعد هم این عقل و فکر بشر به کار بیوفته واقعا بیانیدشد همین که از برنامه‌ی وحی گرفته درس بیانیدشد در مقام عمل هم ولع داشته باشه این سه تا اگر بود کاخ سعادت ما این پی ریزی می‌شود باشد نور باشد چشم و باشد فضای سالم ستاده هر دیدنی همینجوره اصلا دیدن نمی‌خواد بگه.. ما می‌خواهیم ببینیم یه چیزی را همین اینجا می‌خواهیم ببینیم سه چیز لازمه یکی چشم سالم اگه آدم کور باشه اونو نمی‌بینه دوم نور کافی.. کافی اگر نور کافی نباشه باز نمی‌بینیم چشم داریم اما نور نباشه و تاریک باشه باز هم نمی‌بینیم نور هست چشم هم هست اگر این فضا آلوده باشه دود گرفته باشه دور غبار غلیظ باز هم نمی‌بینیم چشم سالم هست نور کافی هم هست ولی فضای صاف نیست باز نمی‌بینیم بخواییم ما بی‌دیدن فراهم بشه متحقق بشه این سه تا لازمه چشم سالم، نور کافی، فضای صاف، در دیدن حقایق آسمانی مطلب همینیه بخواییم ما واقعا جمال حق ببینیم معنای وحی و نبوت و ولایت و امامت و این‌ها را مشاهده کنیم همینا لازمه متنا خدا هر سه را داده نور همون قرآن است، نازل شده «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ الْمُمِینِ» دیگه از اون نور عالی‌تر ما نداریم جلوه‌ی الله «نور السماوات و الارض» است آمده و به ما چشم بینا دادن عقل، عقلی که ما دادن چشم بینای ماست عقل، فکر به ما دادن عالی‌ترین سرمایه‌ست که «مَا مُحِبُّ الْمِنَّةِ رَحْمَانٌ مَكْتُوسُو بِهِهِ الْجَنَانُ» به ما دادن چشم به ما دادن خوب، عقل و نور هم آمده گیر ما در اون سومیه فضای صاف نگذاشته‌ایم برای خودمون آلوده شده فضای قلب ما آلوده است زندگی خانوادگی ما آلوده است زندگی اجتماعی ما آلوده است این همه آلودگی‌ها معلومه دیگه این همه آلودگی‌ها نمی‌ذاره با یه پر کاه بیاد مقابل این مردمک چشم

ما دیگه ما نمی‌بینیم عالم به این بزرگی را یه پر کاه بیاد آقا این همه خروارها گناه و فسق و فساد می‌ریزه مقابل چشم و عقلمون تاریک نمی‌کنه؟ عقل ما رو کور نمی‌کنه؟ یک پر کاه چشم سر ما را کور می‌کند نمی‌گذارد خوردشید به اون عظمت رو ببینیم، یه پر کاه، مقابل مردمک چشممون بیاد آیا خروارها فساد و گناه و این رذالتی که ما در ما پیدا می‌شه اینا جلوی عقل ما را نمی‌گیره چشم عقل ما را کور نمی‌کند؟ پس فضا را صاف دیگه نداشتیم نور آمده چشم بینا هم عقل هم داریم فضای صاف نداریم نمی‌بینیم شهوات گرفته جلو چشممون رو نبینی که هر جا که برخواست گرد نبیند بصر گر چه بیناست مرد، مرد بیناست چشمش خوبه سالمه اما چون گرد برخواسته غبار برخواسته نمی‌بینه، نبینی که هر جا که برخواست گرد نبیند بصر گرچه بیناست مرد و لذا رسول خدا فریادشون بلند **«أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ فِي زَارِحَتَيْهِ وَانْتُمْ عَلَى سَهْمِ السَّفَرِ وَ**

سِيرُوا بِكُمْ صَرِيح» ای مردم شما فعلا یه در یک عالمی زندگی می‌کنید که فعلا آرامه جلوی شما رو نمی‌تونه بگیره حسابت رو نمی‌رسه خب آرامه فعلا شما گناه هم بکنی شما رو فعلا مواخذه نمی‌کنند یعنی کار خوب انجام بدی یعنی به شما پاداشی نمی‌دهند در این دنیا خب معلومه فعلا شما در یک عالم دیگه زندگی می‌کنید اما شما را داره حرکت می‌دهد شما در حال حرکتید **«وَأَنْتُمْ عَلَى سَهْمِ السَّفَرِ وَ سِيرُوا بِكُمْ صَرِيح»** آدم توو هواپیمایی نشسته با سرعت می‌ره آدم نمی‌فهمه خودش چایی می‌خوره بله ((؟؟؟)) می‌خوره نمی‌دونم موز می‌خوره با هم حرف می‌زنند اما خب هواپیمائه داره با سرعت می‌ره یه مرتبه فرود آمده مثلا ما داریم الان در حال سفریم و نمی‌فهمیم مشغولیم با خودمون هی حرفای بیخودی بی خودی حرف می‌زنیم می‌خندیم سفره- های چربی نرمی رخت خوابی همه‌ی اینا همه‌ی اینا در حال سیریم ما **«وَأَنْتُمْ عَلَى سَهْمِ السَّفَرِ وَ سِيرُوا بِكُمْ**

صَرِيح» اونکه بیدار دلانند ما را باید بیدار کنند که **«وَقَدْ رَأَيْتُمْ لَيْلَهُ وَ النَّهَارَ وَ شَمْسَ وَ الْقَمَرَ لِيَاكِلَهُ جَدِيدَنَ وَ**

يُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ» می بینید که هی طلوع و غروب ماه و خورشید و که هی خورشید طلوع می کنه هی غروب

می کنه ماه اولش میاد آخرش میاد حالا خیلی زود گذشت ماه رمضان دیگه و کی بود اولش آمده بودیم اینجا

مثل پیشیم ما فرقی نکردیم همونیم دیگه خیلی گذشته زود هم گذشته مگه نمی بینیم؟ خب همینجوری هی

ماه رمضان گذشت شوال آمد ذیقعدہ آمد یه وقت تموم شد نفس بند آمده بانگ برآمد خواجه مُرد مگر نمی بینم

«بَعْدَ رَأْيَتِهِمْ لَيْلٌ وَانْهَارٌ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ أُولَئِكَ أُولَئَانِ كُلُّ جَلِيلٍ» هی نواها را کهنه می کنند دورها را نزدیک

می کنند «يُعْتَبَانِ بِهِ كُلُّ مَوْعُودٍ فَعِيتُمْ جِهَازَ» ای خواب رفته ها بیدار بشوید خودتون رو مجهز کنید ((؟؟؟))

و توشه بردارید سفرتون طول و دراز است خیلی طولانیه خدا بداند چند صدها سال خوابیم در برزخ اونایی که

قبلا رفتند منتظرند که ما هم ملحق بشیم و همه با هم به رستاخیز عظیم قیامت وارد بشیم دیگه و منتظر ما

هستند مال هزاران سال چه بسا اصحابی منتظرند که م برسیم ما ملحق می شیم به اون ها هی منتظر می شیم

که ما برسیم «اعدوا الجهاز» خودتون رو آماده کنید «لبعد المجاز» این خیلی مسیر شما و گذرگاه شما خیلی

طولانیه مقداد برخاست رسول خدا که صحبت می کردند از این جملات او برخاست گفت که «يَا رَسُولَ اللَّهِ

مَا دَارُ أَنْ أُوتِلَتْ؟» این که فرمودید ما در عالم خود نداریم زندگی می کنیم منظور چیه؟ فرمود «دَارُ الْبِلَادِ

مِنْ عَتَا» این عالمیست که می رسید و جدا می شوید می رسید و جدا می شوید تا آدم نرسیده آرزوی رسیدن

دارد به هر چیزی وقتی رسید ازش سیر می شود می خواد جدا بشه می رسد و جدا می شود برای چقدر ما هی

رفتیم و جدا افتادیم؟ به وصال مادر رسیدیم چقدر در فراغش می نالیدیم در وصالش خوشحال بودیم حالا

دیگه از ((؟؟؟)) به نوعی ولش کردیم دیگه الان به شما بده دیگه نمی خوای دیگه بعد رسید به بازچه ها

اسباب بازی ها، چقدر گریه کردیم برای اسباب بازیها سر و کله ی هم زدیم برای اسباب بازیها حالا ولش کردیم که

همینطوری به کفش و کلاه رسیدیم و به چیزهای دیگه رسیدیم زن گرفته بچه دار هی همه همینجوری هی تا نرسیده آرزو می کند خیال می کند تمام سعادت در همونه وقتی برسد و نیست جدا می شه چرا جدا می شود تا برسد به جایی که می گه «لَا يَتَهُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ مَشْرِقُ» ای کاش تو را ندیده بودم چه بلایی سر من آوردی حالا هر چه بودی دوست بودی رفیق بودی زن بودی اولاد بودی پول بودی قدرت بودی مقام بودی هر چه بودی حالا می چسبه به او سر و کله ی هم می زنند برا همین ما ((؟؟؟)) یه روزی خواهد آمد فرمودیم قرآن «یا لَيْتِي وَ بَيْنَ كُلِّ مُشْرَقَيْنِ وَ بَعَثَ الْغَيْبِ» چه بد قرینی بودی همراه ما «دَارُ بَلَاَيْنَ وَ الْقِتَاعُ» رسیدن و جدا شدن رسیدن و جدا شدن دار دنیا همینه افسانه ی حیات دو روزی نبود بیش اون هم کریم با تو بگویم چه سان گذشت؟ یک روز سر به بستر دل شد به این و آن روز دگر به کندن دل ز این آن گذشت، یه روز دل بستن یروز هم دل کندن اصلا انسان آمده در این دنیا برای اینجا نیست آمده در این عالم برای اون عالم کار کند اصلا برای این آمده نه برای این آمده یک گذرگاهست آمده در اینجا برای اونجا کار کند ابزار اونجا را فراهم کرده برود کما اینکه در رحم مادر ابزار گرفتیم برای اینجا اینی که آورده ایم مال اونجا که نبوده در رحم مادر به ما دست دادند پا دادند چشم و گوش دادند ما اونجا که نمی خواستیم کوه نوردی کنیم که پا رو می خواستیم چکار؟ مال اونجا نبوده پا برای اونجا نیست دست برای اونجا نبود چشم و گوش اونجا نبود ولی اینجا بود در عالم قبلی ابزار عالم بعدی را می دهند اونجا تهیه کند اینجا به کار ببره تمام ابزاری که اینجا داریم همه رو از رحم مادر آورده ایم ولی مال اونجا نبوده اونجا گذرگاه بوده آوردند اینجا بدهند به اینجا به کار ببریم حالا همین اینجا هم داریم مشغول هستیم ابزار تولید نمی کنیم اونجا به کار ببریم و این هم نمی فهمیم که حالا می گیم نماز آقا نمی خوانیم روزه به چه دردمون می خوره مثل اونجا بگیم که چشم برای چی؟ گوش برای چی؟ دست

برای چی؟ اونجا بله نمی‌فهمیدیم ولی اینجا برای اونجا نبود نماز هم برای اونجاست روزه هم برای اونجاست حج هم برای اونجاست انفاقات برای اونجاست اینجا ابزار تهیه می‌کنیم اینجا ابزار را فراهم می‌کنیم تا اونجا محل.. و در اینجا کار ما چیه؟ اینجا دل بستن خدا هم جوری این امتحانه قرار داده که همه‌ی این‌ها جذبه دارد دل آدم را می‌رباید باید هم اینجور باشه و الا هنر در همینه کمال در همینه دل ببندد و دل برکند اگه به اینجا نمی‌آمد خب گذرگاه نبود و به مقصد نمی‌رسید باید از اینجا عبور کنه مثل گذرگاهه باید از اینجا بیاید اگر اینجا می‌آمد و دل بستگی پیدا نمی‌کرد باز هم هنری نبود ترک کردن ترک کردن دل کندن وقتی کمال است که دل ببندد تا دل بستن نباشد دل کندن هنر نیست باید بیاد دل هم ببندد بعد دل بکند کارش اینه ما این کار را کرده‌ایم «أَنَا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ ذَلِيلًا فَضَلَّهَا يُنْقِمُهُمْ آيَهُمْ أَحْسَنُهُ» ما خودمان زیبا ساخته‌ایم این چشم و ابروها را این مقام و منصب‌ها را اون جا اگر خاک می‌روید ما خودمان زیبا کرده‌ایم «يَكُ قَبْنٌ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبِينَ وَ الْقَنَاتِينَ مَقَرٌّ وَ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفُضَّةِ» همه‌ی اینا را ما خودمون ساخته‌ایم تصادفی نیست هدفی داشته‌ایم «لِيُبْنِئَكُمْ» صحنه آزمایشه ما دام افکنده‌ایم و دانه هم پاشیده‌ایم خبر هم کرده‌ایم تا مَرُوهای گیج را از مَرُوهای باهوش یاد بیاریم بفهمد زیر این کاسه نیم کاسه‌ایه بی‌جهت اینجا دام نگذاشته‌اند بی‌جهت دانه نیفکنده‌اند «أَنَا جَعَلْنَا مَا عَلَى عَرْضِ ذَيْلُهُمْ بُكْمًا» به همین زودی هم «وَ أَنَا لَجَائِدُونَهُ مَا عَلَيْهَا سَعِيدٌ جَوْرُ بَوُزْهَا» دوباره خاکش می‌کنیم حالا فعل رو آوردیم از این خاک جوشانده‌ایم خیلی زیبایی‌ها خیلی جذاب است ولی باید انتفاع حاصل بشه «هَبْلِي كَامِلًا عِنْدَ فَأَعْلِكَ» بله اون انتفاع اگر حاصل نشود نمی‌شه انقطاع هم مسلم دنبال اتصاله تا نپیوندد که بریده نمی‌شود اصلا بریده شدن هدفمونه و الا معنا نداره که اگر ((؟؟؟)) آمده، آمده منقطع معنا نداره که منقطع باشه اول باید متصل بشود تا منفصل بشود متها اونایی که

هوشیار عالمن می‌دونن جریان را می‌دونن این اتصال را هم می‌فهمند برای چه انقطاع را هم می‌فهمند ولی ما آمده‌ایم به هم متصل کرده‌ایم ما نفهمیده‌ایم این چسبیدن یه رمزی دارد و بی‌جهت نیست اونا که عالم بودند فهمیدن ما نه او آمد چشم باز کرد و ما پدر دیدیم مادر دیدیم آغوش پدر و پستان مادر و بعد هم بازیچه و کفش و کلاه و سفره‌ها و همین‌جور چسبیدیم به این‌ها تا ببینیم برای این‌هاست برای این‌ها آمدیم نه ولی امتحان بوده «إِصْصَالٌ ثُمَّ الْإِنْقِطَاعُ» چسبیدن بعد کنده شدن این کماله «قَبِيلٌ كَمَالٍ الْإِنْقِطَالِ عَلَيْكَ» و لذا دنبالش «وَأَنَّكَ أَفْسَارُ قُلُوبِنَا» معلوم می‌شه اون نورانیت دنبال انقطاع است انقطاع دنبال اتصال اول بچسبد اول دل بدهد خب این دل دادن طبیعیه خب هر کسی دل می‌ده دیگه دل دادن که هنر نیست که خب طبیعیه دل کندن اختیاریه این مهمه دل دادن استراریه همه دل می‌دهند در مقابل هر جمالی و هر جذبه‌ای همه دل می‌دهند اما جمال اعلی دیدن و ادنا را رها کردن این کماله «حَبْلِي كَمَالٌ أَنْتِفَاعٌ عَلَيْكَ وَ أَنْرَ أَفْسَارَ قُلُوبِنَا بِهِ زِيَاغٌ نَظَرُهَا عَلَيْكَ» اگر انقطاع شد نورانیتی میاد «فَتُحْ تَخَرَّبُ الْفَسَارُ غُيُوبُ النُّورِ» اون حجاب‌ها دریده می‌شود تا اینکه برسد «تَسْرُهُ عَلَى مَعْدِنِ الْعَظْمِ وَ كَثِيرٌ الْوَاخُونَ مُعْلَقُهُ مِنْ حَدِيثِ قَدْسِهِ» به اون کمالات می‌رسه خب پس انسان آمده در این دنیا به این کارش اینه دل بدهد بعد دل برکند چون کارش اینه اینجا باید به این کیفیت آزمایش بشه تا خوب ساخته بشه برای اون عالم بتواند ابزاری اون عالم رو تهیه کنه آمده است خلاصه انسان به این عالم که بخواه ببیند و بخواده ولی نزدیکش نرود خب این بود ببیند و بخواده ولی نزدیکش نرود «لَا تَقْرَبَا وَاضِحُ الشَّجَرَةِ» این بود که بله ببینند و نزدیکشون نروند این کار مشکلیه دیگه و لذا پدر بزرگای ما رفتن با اینکه گفته بودن نرین به اون سمت که خب رفتن که خب همون..